

اسلام هر جا را میگرفت با مردم آنجا کمال مساعدت و ارفاق را
 میدادند فقط مبلغ باچیری سام حریه که نوشته‌اند طبعه دارندگان
 سالی ۲۸ درهم، متوسطین در سال ۲۴ درهم و طبقه سوم سالی ۱۲ درهم
 میدادند که در برابر مالیاتهای کمر شکن کشور روم و غیره بسیار باحیر
 بود هر باحیه و کشوری که در تصرف اسلام قرار میگرفت در عمران و آبادی
 آن کمال حدیث مکارمیرفت، چنانکه در اندلس اساس تمدنی در حستان
 ریخته شد و چه کالجهای محلل بر پا گردید و در شهر قرطبه کتابخانه‌ای دایر
 گردید که دارای چهارصد هزار جلد کتاب در علوم عالیه از هیئت و نجوم و
 هندسه - طب - کشاورزی - فلسفه و حکمت در آن قرار داشت و کابون
 علم و فرهنگ اروپا گردید در طلیطله - عرباطه و اشیلویه چه باعها ماسد
 حست العربیه و چه قصرها سر ملک کشیده شد اندلس هفتصد سال در تصرف
 اسلام بود در زمان عبدالرحمن هشتم پادشاه اسلامی اندلس باوح برقی
 رسید در بردنکی شهر قرطبه شهر ریائی را سام رها با نهاد که شش
 ملیون لیره در آن حرح کرد از آن کابون علم و فرهنگ دانشمندان بر رگی
 ماسد ثابت بن قره - الکندی - فرعابی - ابن الرشد و غیره باوجود آمد
 و اندلس سر چشمه علوم ملیهای اروپا گردید، کتاب جامع الملائمه ابن الرشد
 را باید مشأ حکمت و فلسفه در اروپا دانست

اکنون با بد دانست مردم اروپا نسبت باس کابون علم و فرهنگ تمدن
 که آنهمه خدمت مردم اروپا کرد آنها چگونه رفیاری کردند در اینجا
 گفتار یک نفر دانشمند اروپائی (جان دیون پورت انگلیسی) اکنها میگویم
 می گوید

کیست (۱) که از بحر نکان دسگاه مسیحیت حجت زده بشده باشد

۱ - نقل از کتاب جان دیون پورت انگلیسی ترجمه دانشمند سید علامرضا

مقصود همان تحریکاتی است که در نتیجه توای داخلی بر حسب تعصبات عیبه
وستمگریهای شیطانی علیه مسلمین بوجود آمد و بهر حال آمدند و جهان
مطالعی را مرتکب شدند آنهم نسبت به کسانی که در باره این جمعیت یعنی
اسپانیاییها آنچه همه اسبابیت از خود نشان دادند و کیست که از عملیات سیاسی
آمیخته به تعصبات مذهبی (گری مس) کسبش معروفی که محصول رحمت
ولاسعه در ریاضیون و شعرای قرطبه را که حاصل ادبیات در حشا هفتصد
ساله بود طعمه حریق نمود سرافکنده باشد و آثار نویسندگان دانا و
توانای انداس را به آتش شهبوب خود بسوزاند و کیست که بر فقدان آحرین
نقابای آبار جوانمردی یعنی سقوط امپراطوری اسلام در اسپانیا سوگواری
نکند کیست که از قصای سینه اش نسبت بدان مردم شجاع مملو از تکریم و تمجید
باشد همان ملی که در طول هفتصد سال حکومت بر اسپانیا حتی تاریخ-
نویسان نتوانستند کوچکترین نسبت سوئی با آنها بدهند و انتقادی نماید
اناطول فرانس نویسنده معروف فرانسوی در رساله خود نام ریدگی
گلهها میبردند حمله و حشیههای شمال اروپا بر اسپانیا و نابود کردن حکومت
و دستگاه علمی اسلامی اقلای پانصد سال اروپا را از ترقیات علمی عقب
انداخت و بر می نویسند آنکه میگویند اسلام دشمن ادبیات بوده از حقیقت
دور است روشنائی و نور اهمیت عصر حاضر حظ متینی است که اسلام تعیین
کرده است، توسعه و پیشرفت تمدن با تعلیمات عالیه اسلامی که توام با
مساوات حقیقی و عدالت اجتماعی بود با کنار اقیانوس اطلس و دیوار حن
کشیده شد

عملیات در حشا پیشوایان بزرگ اسلام در تمام مراحل و شؤون
اجتماعی حالت قلوب و وسط تمدن در جهان بود از جمله شیعی علی بن

ابی طالب (ع) دوم بانه اسمایی امام در حرا نه بیت المال مسلمانان مشغول
رسیدگی بحساب دخل و خرج حرا نه ملی بود، دو نفر از بزرگان عرب
طلحه و زبیر بر آن بزرگوار وارد شدند چون شروع بصحبت کردند علی
چراغ را خاموش کرد و اردین علت را پرسیدند در پاسخ آن فرمود شما
مطالب شخصی نامن داشتید میبایستی در حابه من میآهید و عن ابن
از پول ملت و بیت المال اسب نباید در مطالب شخصی مصرف شود در اسلام
طایر این قصیه زیاد است

فصل بیست و دوم

حکمت و فلسفه حرام بودن حمر و قمار در اسلام

در چهارده قرن پیش که مردم جهان در ظلمت جهل و نادانی عرق و از سود و ریای پیداشی عالم حیات بی خبر بودند و علم پزشکی در مراحل اولیه بود پنجمین بزرگ اسلام بطرز بی سابقه‌ای شرب حمر را حرام کرد و آنرا ام‌الاحسانت گفت و فرمود (شارب الحمر کعبه‌الصم) شراب حوار همانند است پرست است با اینکه سود کم آنرا انکار نکرد انکن ریای و گناه آن را بیش از دفع آن فرمود و لعن میکند بر شارب حمر و بر مباشر و فروشنده و خریدار آن در صورتیکه ملک مسیح آنرا حلال و نواب میداند، در کتاب انجیل متی باب بیستم می‌نویسد عیسی بان نشاگردان داد و گفت این گوشت من است و بیاله شراب را گرفت و گفت این خون من است و همه از این بان و شراب بخورید - ندین لحاظ مقدسین مذهب مسیح در عید فصح بان و شراب را زیاد می‌خورند، بعضی از کتبیستان و اساقفه تا آن مقدار که مستی بیاورد حلال دانسته‌اند و مقدار معدل را حابر گفته‌اند لیکن متفکر آسمانی اسلام دانست که هر محرك بمقدار کم باقی نمی‌ماند و پیوسته رو باورایش می‌رود تا بدرجه مسمومیت شارب آن می‌رسد

شارع مقدس اسلام مواد الکلی را موجد و مسبب بروز بفاق و فتنه دانست و در قرآن کریم و قانون اساسی اسلام سوره مائده آیه ۹۰ مصرح است

است (انما یرید الشیطان ان یوقع بیکم العداوه و البغضاء بالحمز و المیسر) یعنی شیطان میخواهد بین شما ایجاد دشمنی و عداوت نماید بوسیله شراب و قمار - تردیدی نیست که این همه جنگها و کشمکش بیشتر در اثر مستی و بیماریهای عصبی سیاستمداران است که جهایی را بوحشت انداخته و حوینها رنجیده شده و بیز در نتیجه قمار چه جانوادههایی بحاک سیاه فقر و برنشایی شسته و چه خودکشیها شده و میشود، وزارت بهداشتی کشور فرانسه اخیراً آماری از قرض باسیان مواد الکلی منتشر کرده که در روزنامه اطلاعات شماره (۴۹۷۰) هم مندرج بود در هر نیمساعت يك نفر از مردم کشور فرانسه در اثر سم الكل تلف میشود - در روسیه با استعمال آن مبارزه میشود

از مستقیم الكل در سلسله اعصاب و سلولهای مغزی است که موجب احتلال فکر و افراط در شرب آن موجب خطای ادراک و آفت عمل مآل - اندیش است در يك يك اعصاب تولید صناعات و بیماریهایی مانند ورم معده الکلی، ورم قلب، ورم کبد و تشمع کبدی (سیرور دو و آ) که بسیار صعب العلاج و معناد را بحظر مریک میدهد میکند در اعصاب صعب شدید (بوراستی) ایجاد میشود که رنگانی را بر معتاد و کسایش تلخ و با گوار میسازد و حوین حمزی در نتیجه می حوارگی و از این سم مهلك و خطرناک است

در حوین معنادین بالکل همیشه مقداری الكل حسب اگر در هر لیتر حوین معتاد نیم سانس گرم افزوده شود در يك بر افرو و جنبه حشمها قمر و حالت خشونت در او نمایان است و اگر يك سانس گرم در يك لیتر حوین باقی نماید نظام دماغی او محتمل میسود و کنترل اعصاب خود را از دست میدهد که

ممکن است مرتکب حیاباتی شود کم و زیاد مقدار الککل را در خون مختلف گفته اند، احتمالاً در خون معتادین مقداری الککل همیشه هست حال در خون سیاستمداران و آتش افروزان حسگهای حیابی چه مقدار الککل باقی باشد که از هر طرف مستانه عریده میکشند و مهار میطلبند حداً میدادند حاصل اینکه پس از چهارده قرن که سطح دانش و تحقیقات علمی بدرجه اعلا رسیده باین حقیقت و بهی اکید شارع اسلام پی برده اند و در صد دخل و گیری از خطرات آن بر آمده اند

احیراً در شهر سورس از کشور فرانسه بر و فسورها و پرشکان نامی اروپا گرد آمده و که گره ای در طالار ریسلیو صدر اعظم سابق فرانسه تشکیل داده بطمها و بیانی در ریان این سم کشنده ابراد کرده و آماری بدست داده اند که خلاصه ای از آن بیانات را در اسحا میونسیم

گیلاس های اول مترویات الکلی سب بحریک معر و سایر اعصاب بدن میسود ، پس از آنکه نوشیدن آن مواد مکرار شد و الککل وارد خون گردید یک بیحالی و بیهوشی بوجود میآید معر و اعصاب موقفاً ولج میسود بر اثر فلج شدن اعصاب بش آمدهای با گواری دست میدهد آمار در اردستانهای حاصله از مترویات الکلی است که پر و فسور ها تشخیص داده اند

سه چهارم از مرگهای سرطانی و سه چهارم از مرگهای حاصله از حوبرری معری، یک چهارم از مرگهای حاصله از بیماریهای قلبی، به دهم از بیماریهای کندی و کسه صعرا و نصف مرگهای حاصله از بیماریهای کلیوی، دوسوم از تصادفات و حوادث در ابرمستی، دوسوم از خودکشیها و آدم کسی ها، نصف مرگهای حاصله از بیماری سل و صدی ۲۵ از بیماری خون در ابر افراط نوشیدن مواد الکلی است، البته نمیتوان گفت در کشورهای

اسلامی این عمل بوده و این بهی اسلامی کاملا اجرا گردیده لیکن میتوان
گفت يك صدم بلکه يك هزارم نسبت مردم اروپا آلوده باین سم بوده اند
تا نیم قرن پیش که آداب و رسوم اروپائی در کشور ایران و ملتهای اسلامی
بیامده بود و می خانه ها باین انداره وجود نداشت تهیه آن بسیار محمی
و مشکل بود فقط ملت یهود و آرامه آرا سپاهی تهیه میکردند و با ترس
به روش میر سایدند اگر عده ای از اشراف شانه و محرمانه مرتکب میشدند
از ابطار مستور بود گاهی هم طالب علوم مدهی با عصمت دسی سه
محلله های یهود و آرامه هجوم میکردند و حمله را می شکستند و در نهایتی
وارد می آوردند اگر چه این اقدام مخالف قانون و نظام اجتماعی بود لیکن
از نظر بهداشت و تقلیل استعمال این مایع سمی بی فایده نبود - از طرفی
هم روحانیون مذهب قدرتی داشتند و شارح الحمر را معجزات و کیمبر
میدادند

فصل بیست و سوم

محمد (ص) دعوی معجزه و حواری عادات نکرد

بانه آسمانی اسلام با آنچه اصلاحات امور اجتماعی و تعمیر مسیر تاریخ جهان که با قوت فکر و عظمت روح انجام داد و هر يك از آن عملیات را باید در عداد بزرگترین معجزات دانست خود را از محیط بشریت خارج ندانست و هیچگونه دعوی حواری عادات نکرد، در قرآن کریم آیه ۱۸۷ از سوره اعراف آمده (قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نِعْمًا وَلَا ضِرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِلَىٰ أَحْرَآءِهِ) بگوای بعمیر من مالک سود و زیان خود نیستیم مگر آنچه را که خدا خواسته باشد و عیب هم نمیدانم اگر عیب میدانستم حیر و برکت را زیاد میکردم و بدی هم به من نمیرسد و فرمود من بشری مانند شما هستم

پیغمبر گرامی اسلام آنچه عملیات در حشا با ریختن را که هلاسه و روش فکران جهان بدان معروف و تاریخ مدییت جهان آنها را ست کرده و در این اوراق شمه ای از اعترافات دانشمندان و فلاسفه اروپا را نقل میکنم همه را در محیط بشریت و قدرت کلام انجام داد - هر گاه بخواهیم با دقت کامل و امعان نظر دقیق در کردار و رفتار محمد (ص) و آنچه را در جهان بشریت انجام داده پس سریم

باید خود را در برابر يك هر عرب وحشی که دارای افکار خشك و تعصبات دوره جاهلیت بوده تصور کنیم و مرص حمق را در نظر بگیریم آنگاه معلوم میشود که چه قوه و قدرت آسمانی و حارق العاده‌ای لازم است که حسیات و افکار اینگونه افراد و هزارها امثال او را تغییر بدهد که از اعمال وحشیانه توبه کند و راه سلم با تقوی پیش گیرد. ما شرح وساد احلاق و آداب وحشیانه‌ای که در حریره العرب راجح بود من باب نمونه بار در اینجا متذکر میشوم

در قسمت های پیش آمدن عیبه بن حصین و وارد شدن بی‌احاره در خانه پیغمبر را شرح دادم که حسوزانه بقاصای عاربه گرفتن عایشه همسر محمد (ص) را نمود و بعد تعبیر خیال داد. نمونه دیگر قیص بن عاصم است که درس پیری در مقابل پیغمبر گرامی شروع به تصرع و التماس میکند و میگوید یا محمد چکم تا کون همت دحتر خود را رنده بگور کرده ام چگونه میتوانم از عذاب الهی بر کنار باشم، پیغمبر میگوید همت بده را بحر و در راه خدا آزاد کن عرب میگوید قدرت مالی این اندازه ندارم ولی شترایی دارم، محمد (ص) میگوید همت شتر را در راه خدا اتفاق نما و توبه کن

ابر کلام و قدرت حارق العاده با سروی امان بود که در تمام ششون و مراحل انسانی آنچه آلام روحی و آداب بکوهیده را از میان برداشت با آنچه معجزات در حدود بشریت که با عقل و منطق سرو کار دارد و فلاسفه دنیا عملیات حارق العاده شارع مقدس اسلام معتقد و معترف گردیده اند احیای شرح و بیان معجزات حارج از حدود بشریت نداریم، زیرا دشمنان آنرا افسانه و مسخره تعبیر میکنند و حر به خود قرار

میدهند علاوه دادن بست نقصان عقل و انحطاط فکر در صدد تجاوز
و دست اندازی نامور اجتماعی مسلمانان بر میآید چنانکه کردند و
ملت‌های اسلامی را با انواع دسائس مورد تجاوز قرار دادند و تا هم اکنون
بر سر تقسیم و استعمار این کشورهای و ملت‌های اسلامی سیاستمداران اروپا
و دولتهای عربی با هم کشمکش دارند

حواریق عادات و معجزات خارج از حدود بشریت در ابطار مردم
دیباکه بمحسوسات قائل و با ریاضیات و فلسفه سروکار دارند علاوه
اینکه مورد استهزاء قرار میگردد نتیجه بعکس و لطمه نشئون و حیثیت
موصوف وارد میآورد و باین دلیل که اگر در محفل از شخص عائی کسی
تعریف کند فی المثل بگوید فلان شخص عالم کم نظیری است یا طیب خادق
یا مهندس عالیقدری است با هر گونه صفات دیگر برای او بشمارد شونده
گوش میدهد و احتمال درستی هم میدهد لیکن اگر گفت ۲۰ درع بدون
ادراک هوا میرد و معلق میماند شونده اصلاً باور نمیکند و گوینده را
سویه دانسته صفات کمالیه موصوف هم از میان آنهمه تعریف بدروع
تعبیر میگردد و لطمه شدید بموصوف میرسد

اشتباه نشود نظری برد معجزات خارج از حدود بشریت نیست
قصد ایست که با عملیات در حشاان شارع مقدس اسلام محتاج بمطالب
شبه افسانه و خارج از درك عقول بیستیم و تصور میرود نظر شارع مقدس
از تری و تحاشی از دانسن علم عیب که خود را بسری مماند سایر مردم
دانسته برای این بوده که دشمنان آنرا حربه و دست آور فرارند و
مردم با دای افسانه ها بسازند که سب بدستی عماید گردد

فصل بیست و چهارم

سوسیالیسم و اسلام

سوسیال بمعنی اجتماعی و سوسیالیسم مرام و مسلک اجتماع را شامل میگردد اسلام دین کامل اجتماعی است با توجه سیره و رفتار مسلمانان و آئین مقدس اسلام روشن میشود که پایه و اساس آن بر تجمع و اتفاق قرار دارد احکام و سنن اسلامی اجتماع را در همه احوال لازم شمرده و زوری نمی گذرد که مردم در مساجد و مکانا برای نماز و پرستش خدای بگانه حاضر بشوند و روزهای جمعه گرد آمدن مسلمانان برای نماز جماعت و اجتماع تعلیمات دینی تقریباً الرامی است و فرق تسنن آنرا واجب و از فرائض مذهبی میداند امر اسلام بر تجمع و اجتماع است چنانکه در کتاب مقدس (قرآنی) آمده و اعتصموا بحبل الله ولا تمزقوا الی آخر آیه یعنی دست برشته پیمان خدایی عموماً بر بید و مبرق بشوند که مست و بی اعتبار شوید - مسلمانان چهار در ماه محرم و صفر و ماه رمضان را که ماههای عبادت و کسب فیض میدانند و با وجود رحبه کردن تمدن مادی مردم اروپا در ممالک شرق اسلامی بار مردم اجتماعات خود را از دست نداده اند - و اما سوسیالیستهای عصر کنونی که مرام آبهامسی بر مساوات و تعدیل بروت است هر گاه با نظر دقت در مرام و آئین مقدس اسلام بنگریم و دقیقاً آنرا مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دانست اصل

دریشه مرام‌های سوسیالیستی و حتی کمونیستی از دست بالعه اسلام سر حشمة
 گرفته و از آنجا اقتباس شده و امتیازی که مرام اجتماعی و اشتراکی اسلام
 دارد این است که با عدالت واقعی و آزادی با حکم آسمانی انطباق دارد و
 مستلزم هیچ‌گونه حثک و انقلابی نخواهد بود. سوسیالیست‌ها مرام‌های مختلف
 دارند در اینجا بطور اجمال از مرام سوسیالیست‌های افراطی و سوسیالیست‌های
 اعتدالی می‌وسم اگر چه همه سوسیالیست‌ها اصولاً در تعدیل و تقسیم ثروت هم
 عقیده هستند لیکن در طرز اجرای مرام اختلاف کلی دارند. سوسیالیست‌های
 افراطی می‌گویند سرمایه داران در حیران را آلت دست و ابزار کار
 خود قرار داده و از دست‌برخ آبان آقائی می‌کنند و تمام مرایای حیوانی
 را بحود اختصاص داده‌اند و بسمی عرق بعم و باز گردیده
 بحوب و عرور در آنها علیه ساخته که بحودی خود این قدر و
 نعمت را از دست ندهند باید انقلاب کرد و با صرف مشقت و نیکار بردن
 سر سره آن قدر را از دست آنها گرفت و ثروت آبان را تقسیم نمود
 سوسیالیست‌های اعتدالی می‌گویند باید بی‌روی کار را در برابر
 وسایل تولیدی تفویض کنیم و ترقی بدهیم و با این مرام بسوی هدف
 پیش برویم بی شك بدون انقلاب مسلحانه بمقصود اصلی خود که تعدیل
 ثروت و مساوات است موفق می‌شویم. سوسیالیست‌های مساواتی هم بوده‌اند
 ما در گومت کنت (۱) فیلسوف فرانسوی و او کتاب علم الاجتماع را نوشته
 و عقیده او این بوده که افراد بشر از حیث عرائر و استعداد طبیعی مساوی
 آفریده شده‌اند باید از تمام مرایا و نعمتها بی‌بهره مساوی
 بهره مند شوند کارل مارکس هم در ابتدا مساواتی بوده و بعداً افراطی
 شده عقیده مساواتی‌ها درست نیست و آنکه می‌گویند در عرائر و حیثیات

همه متساوی خلقت شده اند منتهی بعضی از مردم موفق شده افکار و
 عرائر خود را بکار برند با اصول فطرت و خلقت تسوافی ندارد - زیرا
 می بینیم دو برادر از يك پدر و يك مادر یکی دارای افکار بلند و هوش
 سرشار باحوی پسندیده بیکو کار گردیده و دیگری بسیار کودن و حیایت
 پیشه از آب در می آید و بالعطره حاسی میسود که اینگونه افراد را بر بان
 فراسه سادیک میگویند ، در کتاب معدس اسلام هم این حقیقت
 روشن ذکر شده است (التثقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی
 بطن امه

در اینجا لازم است مثالی گفته شود و مختصر مقدمه ای هم اضافه
 گردد تردیدی نیست که موحودات و اکوان ثلث یعنی حماد و نبات و
 حیوان همه تحت تاثیر عوامل 'حوی' با نور و حرارت آفتاب بشو و نما
 میکنند و دران و حودی آنها همه تحت تأثیر همین عوامل هستند و هر
 دره و قسمت از آب و خاک دارای خصوصیات میباشند گاهی هر يك بعدر
 استعداد و خصوصیات که در آنها است از نور آفتاب رنگی را بحود
 میگیرند یکی سرخ دیگری زرد و دیگری سفید و بعضی میگردد

مثال آنکه اگر يك مهر زارع بحم يك حر بوره شیرین را در يك
 زمین بکارد تمام اعمال زراعتی را از شحم زدن، آبیاری، کردن کود دادن
 همه را متساوی انجام دهد باز می بینیم يك سه ای زودتر مرورید و بیشتر
 نمو میکند و باز شیرین تر میدهد و یکی باز ضعیف و تلخ و کوچک
 میدهد در اینجا روشن میشود که دران آب و خاک با نور و حرارت
 در ایجاد موحودات امر مخصوص دارد همسر قسم در دران و فطرت افراد
 بشر مقتضیاتی به تفاوت بوجود می آید که با هم تفاوت بسیار دارند و

بمی توان همه را مساوی در بهره‌مندی از مرایا دانست البته از افراط و
تجاوز بهر نحو باید جلوگیری کرد و تعادل را رعایت نمود

کمو بیسم و اسلام - باید دانست مرام اشتراکی کارلمارکس
محصول فکر مردم اروپا بیست اس مرام را مردك بشابوری در زمان
پادشاهان ساسانی آورد و خطر اختلافات طبقاتی وعدم تعدیل ثروت را
بهاد پادشاه ایران خاطر نشان ساخت تا این تفاوت که مردك یردان
پرست بود و گفت باید اشتراك جاری شود حتی در میان ولی بگفت در
يك دن دو مرد شرکت نمایند چون در خانه اشراف صدها دن بعنوان
کبیر و عمره احتکار میسند و ما قرن احمر پادشاهان ایران سردیان بسیاری
در حرم سرا داشتند مردك گفت باید این تعدد لغو شود چنانکه بگارش
یافت مرام کمو بیستها تعدیل ثروت و اشتراك در وسائل زندگی است
که ولو ثروت سر بیره و اعمال قدرت انجام گردد شارع اسلام با علم و
اوتکار آسمانی خود دانست که تعدیل ثروت با اعمال قدرت و سر بیره
با آزادی سازگار نیست زیرا اگر ما احبار و اکراه مال دیگری را
بگیرند و دیگری بدهد کاملاً با آزادی و استقلال فردی مخالف است
و بیر اسماء سر آزادی را از مام نعمتهای جهان بیسر دوست میدارند
و با حال راحت و میل قلبی بهتر بکار و ابتکار میسر دارند لذا پایه
تعدیل و تقسیم ثروت را بر اساس ایمان و عقیده قرار داد که جمع
بین اصدااد شده باشد یعنی هم مردم در عمل و امور زندگی خود آزاد
باشد و هم تعادل در ثروت برقرار گردد اولاً بر خلاف گذشتگان که اربیه
بدحتران و گروه زمان میدادند اربیه برای آنها معمول و مهر داشت
بعد بر و تمندان فرص و واحب شمرد که قسمی از دارائی خود را بعنوان

حمس - ذکوة - سهم امام - نذر - صدقه - فطریه - کفاره گناهان مردم
بدهد و آنان را نعمات خدایسی و بهشت جاویدان وعده داد که از
روی میل و رعیت از بردستان دستگیری و ادای وظیفه نمایند اگر این
مقررات چنانکه باید کاملاً اجرا می شد مقصود کلی حاصل میگردید و
ایسهمه خویریریهها میان اقوام و ملل جهان بوقوع نمی بسوست چنانکه
قبلاً هم متذکر شدم ذخیره کردن طلا و نقره را که ثروتمندان اندوخته
میکردند آنرا موجب عذاب خدایی فرمود و بهی کرد و دانست که ثروت
زیاد و عدم تعدیل ثروت چه فتنه ها و خویریریهها را موجب میگرد
چنانکه می بینیم پس از چهارده قرن ایس حقیقت گویی روشن گردیده
تا داعیه آن نکماکشیده شود

حاصل اینکه کموبیسیم اسلامی اگر از روی ایمان و عقیده اشتراک
و تعدیل ثروت اجرا گردد فکری آسمانی است که همیشه صالح و آزادی
را تأمین خواهد کرد پیغمبر گرامی اسلام حتی خرید و فروش کبیر و
علام را که قانون عمومی آنرا جزء کالا قرار داده و در ملکیت باقی
بودند اصول مالکیت را لغو نکرد ولی آزاد کردن کبیر و علام را جزء
حیرات و بالاترین اجر احروی قرار داد چنانکه خود آنها را میخرید و
در راه خدا آزاد میگرد

فصل بیست و پنجم

(وجود و سماع در اسلام)

ایموضوع بجز از مسائل فقهی است که مربوط بر رأی و فتاوی‌های مذهب است در اینجا آنچه را که علمای بزرگ نوشته و چاپ هم شده نقل میکنیم و نقل مقولات طبع و منتشر شده برای هر کس مداح و حالی از اشکال است در تعریف صوت حوش محمد عرالی از فلاسفه و بزرگان عالم اسلامی است تحت این عنوان میویسد بیان (۱) الدلیل علی انحاء السماع - تحقیقات دامنه‌داری در حسیات و عرائر میکند آوار و صوت حوش را از جمله رتبه‌های جهان میداند و با آن قرآن کریم استدلال نموده (من حرم ریته‌اله‌الشی اخرج لعناده) یعنی کی ریت‌های حدائی را که برای سدگان خود قرار داده حرام کرده و حدیثی نقل میکند که پیغمبر گرامی درباره ابوموسی اشعری فرمود خداوند مرمازی از مرا میر داد و سی باو عطا فرمود و میگوند همان قسم که چشم اردیدن آن سیره، صورت حوش لذت میرد گوش از صوت حوش متلدد میشود و از عرائر بشری است و صوت را تقسیم میکند موردون و غیر موردون مفهوم و غیر مفهوم میویسد صوت حوش کودک را در حوان میکند لیکن در محالس

۱ - نقل از کتاب احیاء العلوم محمد بن احمد عرالی فیلسوف مشهور

فسق حرام است و اثر صوت حیوانات شرح میدهد
 و میگوید محمد بن یعقوب دیسوری بر این حکایت کرد و گفت روزی بحیل
 اعراب در آمدم یکی از شوح مرا بحانه خود دعوت کرد همیشه وارد خانه
 او شدم علام سیاهی در ریحیر و شر لاعری را بسته دیدم چون میربان
 برای تهیه لوازم پدرایی بیرون رفت علام سبزه با الیماس از من تقاضای
 شمعاعت کرد وقت کردم هنگام سمره چیدن عدا بخوردم میربان
 علت را خواست گفتم تا این علام در بند است عدا بخوام خورد مگر
 اینکه شمعاعت مرا قبول کسی و او را از بندرها سازی میربان گفت شما
 نمیدانید این علام دامن چه کرده هستی مرا از میان برده کیمت را خوبیا
 شدم گفت من شرهائی داشتم که از کرایه آنها امر از معاش میکردم و این
 علام همراه شتران میرفت در راه شروع بخواندن آواز کرد از بس خوب
 میخواند شترها در سرعت سیر خود افزودند و احساس حسنگی نکردند
 و سه روز راه را در يك شبانه روز طی کردند لیکن چون بمحل رسیدند
 همه از ریح راه مردند و فقط این شتر لاعر برایم باقی مانده معهدا علام را
 از بند بیرون آورد

عزالی داشتم درك اسلامي از موسیقی را در حیوان و انسان
 چنان مؤثر دانسته که حره عرایر نوشته است و آنرا از رسائی جهان شمرده
 فقط در محالس فسق حرام گفته خون محمد عزالی شافعی و از
 بردگان فرقه تسن بوده در عالم تشیع کمتر عقاید او و بیاناتش بر زبان
 میدهد اکنون آنچه را پیتوای درك شیعه شیخ مرتضی انصاری نوشته
 است و در مکاتب چاپ رسیده نقل میکنم بعد از آنکه موسیقی و صوت
 خوش را در محالس فسق حرام فرموده این جمله را میفرماید

لا اظن (۱) احدى بعتى باطلاق حرمة صوت الحسن بل احضار بمدحه
لا بد من احمال الاحمال يعنى گمان بکرم وردى باشد که صوت حوش را
حرام نداند بلکه احضار در تعريف و مدح آن است براى اينکه آن از
ديبايترين ديباييتها است در اصول کافي که معتبرترين کتاب فقه جماعت
شيعة و مقبول عامه است

اين حديث از ابو بصير از ابى عبدالله (ع) نقل شده (قال السى (ص) ان من
احمل الاحمال الشعر الحسن، و نعمة صوت الحسن) نعمة در لغت عرب آواز حوش
است در کتاب لغت المعجم نعمة را حسين معنى ميکند (النعمة التطريب
بالعناء يعنى فرحناکي ولدت بردن از آواز حوش

در قرون اخير پرشگان عصر کيوي براين عقيدة شده اند که اگر
در موقع عدا خوردن صوت و آواز حوش شيدده شود اعصاب معده بهتر
کار ميکند و عدا بهتر هضم ميشود

مردم امريکا کشف کرده اند که با اصوات موسيقي گاوها بهتر و بيشتر
شير ميدهند و در مزارع آلات موسيقي براى گاوها قرار داده اند و با
اين عمل شير زيادتر ميگيريد چنانکه اخيراً در باب موسيقي از پاپ پي
دو ارد هم سؤال شد و در جواب گفت موسيقي روح را تقويت ميکند، صوت
حوش کودکان را در خواب راحت فرو ميبرد که بر نمو آنها افروده ميشود
اگر ناس احضار و احاديث معتقد شويم ميتوان گفت پيغمبر برك اسلام
حوشي و مسرت را براى امت خود بهي برموده ديبايهاى ديا و
آحرت را براى پيروان خود خواسته ليکن ديباي بعدى را مقدم داشته
و عادات و اعمال حير را بالآخر فرموده تشخيص اين موارد و مطالب مربوط

۱- نقل از کتاب مکاتب شيخ ابصارى صفحه ۳۸-۲ نقل از کتاب اصول

کافي صفحه ۵۹۵

بفشار روحانیون است

اکنون عده‌ای از فلاسفه اروپا را نام می‌برم که درباره شارع اسلام اعترافات صریح روش نموده‌اند در این اوراق متذکر می‌شوم کارلایل فیلسوف معروف انگلیسی می‌نویسد - حاشا که محمد مردی دروغگو باحیله‌گر باشد بلکه او قطعه‌ای از حیات ادلی و پاره‌ای از اندک بود که در برابر او قلب عالم شکافته شد و وسیله او بوری تابید که عالم را روشن ساخت

لاهازتین شاعر و نویسنده معروف فرانسوی می‌نویسد - محمد شخصی است مافوق بشر و مادون خدا پس بدون شك فرستاده خداست پروفیسور گوسالون معلم علم الاجتماع فرانسوی می‌نویسد - من بشر و مسیحیان را ساطل دعوت می‌کنم بلکه به‌دین عربی استواری که خداوند بر رسول خود فرستاده و وحی نموده دعوت می‌کنم که در رسالت خود با کمال دیانت قسام کرد و او در رسالتش حقاً بهترین افراد بشر بود با امانت و تقوی تاریکیهای جهان را روشن نمود و تیره گیهای جهل و نادانی را زدود سراوار است از چنین پیغمبری پیروی شود بویژه آنکه دین روشن او بر اساس شناسائی خدا و نبی از کارهای خداست محمد احوالی ستوده و عالی و حکمتی بی‌مانند و دلی پر از مهر و درایت داشت عقل محمد از بهترین عقلمها و آراء او از بهترین آراء بشر است اگر اردش مردان از فکر و درایشان باشد نامد اعتراف کنم که محمد از بهترین اشخاصی است که تاریخ جهان نشان داده است در کتاب ساورسیاتوس ترجمه علی اصغر حکمت می‌نویسد نارتلمی هیلر فیلسوف مشهور و مترجم آثار ارسطو می‌نویسد دین محمد حیر و برکتی بزرگ بود که اغلب بدان گرویدند

سیمون فیلسوف فرانسوی می‌نویسد - نمی‌شود بر حلالی اجماع حکم کرد و محمد را دروغگو دانست باید بمطالب رسیدگی کرد ما فلاسفه و محققین می‌گوییم محمد و امثال او برای نجات دادن مردم آمده‌اند و برای رفع بیماری‌های روحی ظهور کرده‌اند و هدایت اساس اسلام بهترین وسیله پیروزی است سر او از نیست که ما حقیقت اسلام را در این دورگار درك سمائیم

الرماله (۱) مودح معروف و فرانسوی می‌نویسد - پیشرفت دین اسلام در هر دور وسطی موجب انتشار تمدن در حشار و تکمیل نبوی شدگفت انگیز گردید، و بان آیه قرآن کریم سوره دوم استدلال نموده (ایس الران تولوا و حوه کم قبل و المشرق المعرب الی آخر آنه که ترجمه فارسی آن آن این است طاع و بیکو کاری به همان است که روی خود را بطرف مشرق و معرب بگردانید نبوی ایمان بخدا و ره و واپسین و رشتگان و پیغمبران است تعوی بدل مال است در راه دوستی خدا بحویشا و بدان - یتیمان - درویشان و مستمندان و راه‌نشینان و خواهدگان است، تقوی آزاد کردن سداگان اقامه نماز و دادن زکوه و فای عهد، شکیبائی در محبت، صر در آفات - بامداری در کارزار است و سر می‌نویسد پیشرفتنی که اسلام در حیک با کفار کرد خود بمرله برزگترین کرامت است - در ادر مدت کوباهی دامنه آن با اقیانوس اطلس کشیده شد پیغمبر بر دك اسلام چنان سادگی و فصاحتی اخلاقی زندگی کرد که معنی کامل روحانیت را مردم نشان داد - کرامت اخلاقی او اینکه بر هر فردی از مسلمان در سلام

سبقت می‌جست و اصلاً بر حار و دنیا بی اعتنا بود

این بود محصری از آراء و عقاید دانشمندان نامی و فلاسفه کشورهای
اروپا اسلام در حث آزادی و عدالت اجتماعی را با حوں پاك شهدای خود
آبیاری نمود یعنی در زمان سلطنت و حالات سیاسی امیه که روحانیت ساده
و معسویت کامل اسلام تعبیر یافت و تقلید از پادشاهان روم و ایران به
تحمولات درباری و فرعونیت پرداختند مخصوصاً در زمان بریدن معاویه
که بر خلاف سنت باعه اسلام مرتکب شرب حمر گردید و در صدد
تعبیر احکام قانون اساسی اسلام قرآن کریم بر آمد و علماً گفت - لعنت
هاشم و بالملك و لاجرحاء و لا وحی برل یعنی پیغمبر ماملک باری کرد به
وحی نازل شد و به حصری آمد با استمداد و خود سری بساط و سق و و حور
گستراند و بر همه قلمرو اسلام قدرت یافت در مدینه فرزند زاده رشید
و قهرمان آزاد بخواهان جهان حسین بن علی (ع) حوں دین اسلام و قوایین
عدل و مساوات دسبحوش تطاول و تعبیر گردیده با همت و شجاعت بی نظیر
خود در بار بیعت بر بند و بیداد گیری او برفت و برای بقای آزادی و قانون
اساسی اسلام قیام کرد و از مدینه عارم عراق گردید و مردم را از خطر
استمداد و خود سری بر حذر داشت، بر بد در صدد حلو گیری و نابودی او
بر آمد و سپاهی که حداقل آنرا سی هزار نفر نوشته اند اعرام داشت
آن باعه آزاد بخواه بحونی میدانست که با همتاد و دو نفر می توان بررسی
هر از سپاه دشمن غالب گردید و با فراد از حنك هم این اساس عدالت در خطر
است لذا در مقام حان باری و فدا کاری بر آمد که این در حث آزادی و ایمان
بحداد را با حوں خود و کسایش آبیاری نمود و مردانه بحنك با دشمن
پرداخت جنگی کرد و شجاعتی از خود نشان داد که تاریخ جهان چنین

شهامت و قوت قلبی را نشان نداده برادران در حوں علطیدند فرزند
 هجده ساله اش کشته شد اسارت زبان مجرر گردید با اسحال گریه نکرد
 زیرا گریه علامت ضعف و فرسودگی است اگر ضعف و فتوری میداشت
 تسلیم برید میشد و با او سخت میکرد برید هم هر چه میخواست با او میداد
 و مانند عبدالله بن عمر که با برید ساخت و مورد احترام کامل برید واقع شد
 او هم می شد هر کس مطرّه آن میدان حیاك را مورد دقت قرار دهد و
 برید خود تصور کشته شدن یکی از کسان خود را در نظر محسوم کند خواهد
 داشت چه بر روی آسمانی در این پسوای آزادی بوده دلیل آزادی -
 خواهی آن بر رگوار ای که در میدان بشون دشمن خطاب کرد و گفت
 ای مردم (و ان ام یکن لکم دسأ فکونوا احراراً فی دساکم) یعنی اگر دین
 بمیخواهید آزادی برای دبیای خود بخواهید - حسین بن علی با دادن
 جان خود و فرزند و برادران خود به مسلمانان حران درس شجاعت و
 وداکاری در راه اجرای قانون و عدالت و آزادی داد که در این راه برس
 بخود راه بدهید و گفت با همداد دوهر مساوان با سی هزار نفر دشمن
 جنگید و فرمود در راه حق و حقیقت پیام کنید و سریت را از چنگال
 ظلم و ستمگری بجان دهید افسوس که ما تعلیم عالی این پیشوای
 بزرگ داد راه عظمت اسلام فرانگرفتم که گریه نکرد اگر درس شجاعت
 را از آن بر رگوار فرا گرفته بودیم تا این درجه قدرت و شهامت را در دست
 نمیدادیم و شجاعانه در برابر مشکلات سیاسی و اجتماعی مبارزه میکردیم

فصل بیست و ششم

(روحیات شرق و ملتهای اسلامی)

مقصود و منظور از عرف روحیات در شرق همانا کیفیات ادراکی و مرایای ایمان و تقوی است که فرد یا قومی را بوسیله بکسر و استدلال معالم مأور الطبعه و دنیای دیگر متوجه سازد و حقایق معنوی را بالاتر از جهان مادی بداند و همیشه از مسع فیص لایتناهی سعادت و دستگیری خود را بخواهد. این سیخه مربوط به آداب طاهره و رسوم معمول اخلاقی آنها نیست که غالب مردم متمدن دارند زیرا ممکن است فرد یا قوم و جماعتی دارای تمام آداب و روش مردم داری باشد لیکن ایمان بحدای و جهان بعدی نداشته باشد و پایداری بدیهی مبدأ و مدهی باشد سخن ما در تربیتهای روحی و ادراک معنوی است که عواطف انسانی را در بهاد افراد می بروراند و تعلیمات مدهی و الهامات عیبی را سرمشق زندگی و خود قرار میدهد بر دیدی نیست که این سخنانی روحی و معنویان در شرق و ملتهای اسلامی بمراسمیش از عرب است و در این کشورها رسه عمیق تر دارد چنانکه قبلا بگارش یافت و در شرح حال پادشاهان مبدکر شدیم پادشاهان همامستی در هر کار از بردان پاك مدد و باری می جستند و احمالی از احکام زردشت و پانه گذاری بکوه پادی ماسداند شه بیک - گفتار بیک ، دربار بیک نوشتیم همین قسم افرادی ماسد مانی بهاش و مردك

بیشابوژی که در ایران دعوی پیغمبری کردند و مانی پایه مذهب خود را
 بر روی دو اصل روشمایی و تاریکی سائباد و جنگ بردان با اهریمن را
 عنوان کرد بار بمقتضای آن بر مردم را عالم ماورا الطبیعه و معنویات متوحه
 میساختند و نیزه در چهارده قرن پیش که آفتاب جهانتاب اسلام از افق مکه
 و حریره العرب اشراق نمود ادیان الهی را کمال بخشید و دستورات
 آسمانی او در تقویت روح ایمان و تعوی در مکتبهای دینی و محافل
 اسلامی رواج یافت و بیرون خود را موطف ساخت که اطعمال خود را از
 اوان کودکی مکلمات مدهمی تلقین نماید و آیات کتاب مقدس اسلام (قرآن)
 را در گوش آنان بخواند تا قبل از رحله نمودن بمدن بی روح اروپا بدران
 اغلب نام معصومین و مهندسین مذهب را سکودگان خود یاد میدادند و چون بزرگتر
 می شدند و نمکب می رسیدند و تعلیمات دینی حراء بر نامه تحصیلی آنان
 بود و اصول دین و مانی مذهب را و را می گرفتند چون بدرجه رشد
 بیشتری می رسیدند کمانهای ادبی و اخلاقی مانند گلستان سعدی - بوستان
 و عمره که همه بار دارای اندرزهای روحی و سخایای اخلاقی بود
 میخواندند و در مواقع فرائت اغلب با بدران خود در تکایای مدهمی و
 محافل دینی می رفتند و به تعلیمات روحانیون گوش فراداده و بحاطر می سپردند
 تردیدی نیست که بعضی از سالوسان روحانی بما که میدان را از دست
 روحانیون بزرگ گرفته با افسانههای حیده آوروستهای مسخره آ میر
 این دین باک و فلسفی را آلوده ساختند ولی بار صدی هشتاد آن مواعظ و
 بیانات مربوط به تهویت روح ایمان و اخلاق بود این کودگان چون دارای سواد
 می شدند آنها یک استعداد سرشار و قریحه افکار بلند علمی داشتند و وسایل
 برای تحصیلات عالیه در دسترس آنها بود وارد مدارس عالی می شدند و

مقامات عالی میرسیدند و آن مدارس عالی و کابون فرهنگی تحت نظر
 استادان دانشمند اداره می شد و از آن مدارس فراسه و سواع عالیقدر
 بیرون آمدند که در اوراق پشیش عده ای را نام بردم و شمه ای از مراتب
 علمی و سوع آنان بیان کردم و باینطور احتمال تعلیمات عالیه مدهسی و دروس
 دینی ملت های شرق اسلامی را شرح دادم که چگونه تحت تاثیر آن تعلیمات
 بوده و از سیاست عدربیرنگهای تجاوزکارانه برکنار بوده اند و تشکیلات
 حاسوسی را بنا بر ایجاد فساد و فساد برصد مذهب و آئین دیرینه خود داشته اند
 البته نمی توان گفت که در شرق و ملت های اسلامی فساد و اخلاق و
 حیایات و خود ندارد یا دردی نمی شود لیکن میتوان گفت در دیها، آدم
 کشیها، بی عفتیها، اتحادها استعمال مترویان الکلی، فمار، کاباره های
 رقص و مباطر شهوانی در عرب و مراتب بیش از شرق و به نسبت هسناد در صد
 است و بقیه و کم بود را باید در نتیجه تعلیمات دینی مرتب شده است از
 جمله مرانا خصوصیات بعالم مدهسی این است که پلیس و قوی بی در
 شهرها به تناسب جمعیت آنها خیلی کم و تا قبل از رجه کردن آداب و
 رسوم بگانه محدود و محصور بعهده معدودی نام گرمه و دازوعه شب گرد
 بود و با اسحال دردی ها و حیایات خیلی کمتر از انام کیوبی می شده
 اکنون در کشور ایران نسبت شهرهای اروپا و امریکایک دهم پلیس و قوای
 بأمینه بیسربست معهدا حیایات و دردیها و آدم کشیها مراتب از اروپا
 کمتر است به دهم مرهون بریتهای دینی و اخلاقی مردم شرق است در اینجا
 اشتباه نشود اینکه ملت های اروپا را مورد بحث و اسقاد قرار داده ام عرض
 سیاستمداران منجا و رو آتش افروزان حنك و حاسوسان و به انگیر اروپاست
 مردم اسیل و بحیب اروپا در بحث و ابتعاد ما خارج و مورد کمال احترام ما